

سبک دانستن



شبکه‌های اجتماعی به توهم دانایی دامن زده‌اند

عقل کل‌های بی‌مطالعه!

مجید فراہانی

کتابخوانی ما ایرانی‌ها شبیه قسه هزار و یک شب شده است و بعد از کلی گفتن و نوشتن هنوز هم اتفاقی نیفتاده و فکر هم نمی‌کنیم این سررانه مطالعه به این زودی‌ها تکانی بخورد و برای دلخوشی هم که شده مدتی بالا ببرد. حقیقت این است که قصد ندارم در این مطلب حرف‌های قلمبه سسلمبه بز نم یا از تأثیرات مطالعه

عقل کل‌های بی‌پشتوانه

چنان بر حرارت و با شوق حرف می‌زد و بر درستی سخنانش تأکید می‌کرد که رگ گردنش بیرون زده بود. اول گفتم چقدر خوب سخنرانی می‌کند اما کمی که دقت کردم دیدم فقط یکسری جملات که شاید از رادیو و تلویزیون شنیده باشد را کنار هم گذاشته و بی‌محابا یک‌تازی می‌کند. باورش برام سخت بود که در این جمع دوستانه چطور بعضی از افراد مبهوت حرف‌های او شده بودند و مدام سرشان را به علامت تصدیق بالا و پایین می‌کردند. شاید از این دست افراد را در روز بازارها و روز گوشه کنار جامعه ببینیم. افرادی که به واسطه عدم آگاهی و سادگی ما هر آنچه می‌خواهند می‌گویند و ما هم مجبور به پذیرش هستیم چراکه نه مطالعه می‌کنیم و نه در جریان موضوعات هستیم. یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی که واجد نتایج منفی در عرصه‌های فردی و جمعی است، میزان بسیار پایین مطالعه است. در واقع جامعه ایران را می‌توان جامعه بی‌مطالعه نام نهاد. جامعه‌ای که با کتاب قهر است. مردمی که در تریج می‌دهند به جای خواندن، بشنوند و در چنین شرایطی افراد بدون اینکه مطالعه داشته باشند ادعای کنند عقل کل هستند. زندگی سالم و کلاسبک درست زندگی بر این نهاده شده

که حرف‌هایمان بر اساس یک مستنداتی باشد که در رفتار و ارتباطات اجتماعی ما تأثیر گذار است. وقتی قرار است نقش آدم‌های عقل کل را بازی کنیم حداقل برای این نقش کمی مطالعه کنیم و چند کتاب بخوانیم. مگر چه می‌شود؟ اصلاً بیابید برای اینکه به دیگران فخر فروشی کنیم این عمل را با پشتوانه انجام دهیم و ماهی نه، حداقل سالی یک کتاب را برداریم بخوانیم و به واسطه معلوماتی که به دست می‌آوریم ادای آدم‌های با دانش را در بیاوریم. بعد هم همان کتاب را بگذاریم در یک جای اتاق. هم دکور اسبوسن منزلمان را جلوه می‌دهد و هم آدم‌هایی که به خانه ما رفت و آمد می‌کنند نظرشان نسبت به ما تغییر خواهد کرد، نه اینکه بدون علم و مطالعه بپریم وسط جمعی و هر چه از آن طرف و آن طرف شنیدیم را به خورد مردم بدهیم.

مطالعه تلگرامی
چندسالی است که مردم فکر می‌کنند! مطالعه شده‌اند و از اینکه ساعت‌ها سرشان به مطالب بعضی‌پایه و اساس و سطح پایین برخی شبکه‌های اجتماعی مشغول است خوشحال هستند. مطالبی که بیشتر جنبه در حد حال و واگوهای شخصی دارند نه اینکه جنبه علمی و سطح بالا داشته باشند. در سال‌های اخیر عموم جامعه هجوم بی‌سابقه‌ای

بنویسم و داغ این فاجعه را تازه کنم. بیشتر قصد دارم یک برشی از روزهایی که سپری می‌کنیم ارائه کنم که چگونه بی‌پشتوانه و بدون اینکه حتی در سال یک کتاب خوانده باشیم هر کدام از ما در حد دکترا می‌رویم وسط میدان سخنرانی و گوی سبقت را از حرفان می‌ریزیم. راستی با چه پشتوانه‌ای ادعای عقل کل بودن می‌کنیم؟ چه میزان حرف‌هایی که در روز رد و بسدل می‌کنیم و

انتظار داریم مخاطبانمان چشم و گوش بسته قبول کنند بر اساس مطالعه و مستندات است؟ چقدر در مطالعه و کتابخوانی احساس نیاز پیدا کرده‌ایم؟ اینها و صدها سؤال دیگر نشان می‌دهد به رغم اینکه می‌دانیم عصری مهم در زندگی و پیشرفت و دانایی ما به شمار می‌رود همچنان مطالعه نمی‌کنیم و همچنان بر بی‌نیازی خود پافشاری می‌کنیم.

به سوی شبکه‌های اجتماعی داشتند و مطالب نشر شده در این شبکه‌ها را جابجایی برای کتاب می‌دانند؛ در حالی که شبکه‌های اجتماعی توهم دانایی را برای افراد ایجاد می‌کنند و واژه شه‌دانایی برای فهم این مطلب مناسب‌تر است. مردم از وقتی که برای مطالعه این گونه مطالب می‌گذارند فکر می‌کنند که خیلی سطح علمی‌شان افزایش یافته و واقعاً مطالعه می‌کنند، در حالی که خواندن این نوع مطالب بیشتر جنبه سرگرمی دارد تا افزایش آگاهی و دانایی. افت مطالعه کتاب در ایران با شیب تندتری نسبت به دیگر کشورها در حال جریان است و این به دلیل این است که مردم تنها به مطالعه مطالب منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی مشغول هستند و با این روند با شدت بیشتری شاهد هستیم که کتاب‌اسب زندگی آنان در حال حذف است. با این شکل جدید مطالعه مطمئناً تنها اتفاقی که می‌افتد این است که سطح دانش و دانایی افراد جامعه به سرعت کاهش می‌یابد و سطحی‌نگری در جامعه رواج پیدا می‌کند. در نتیجه رواج سطحی‌نگری مسلمان‌شاهد آن خواهیم بود که روح پرشگری از جامعه زندگی اصولی با داشتن حداقل‌های دانایی از ارتباط مستقیم دارد و ما در این زمینه حداقل در قبال اعضای خانواده خود مسئول هستیم.

سبک تربیت

نقش خانواده در کتابخوان کردن فرزندان

من و کودکم کتاب می‌خوانیم



طرز تفکر و نگرش والدین در رابطه با مطالعه و کتابخوانی، وجود کتب و نشریات قابل دسترس و همچنین سطح اقتصادی و جایگاه اجتماعی خانواده، نقش به‌سزایی در تقویت عادت مطالعه و کتابخوانی دارد. برای ترغیب کودکان به کتابخوانی از سنین پایین‌تر باید توجه داشته باشید، هر کتابی که برای کودک خود انتخاب می‌کنید با وجود تقسیم‌بندی‌های سنی که ناشران در پشت جلد کتاب انجام می‌دهند شما باید بهترین گزینه را انتخاب کنید. اگر انتخاب صحیحی انجام ندهید کودکان علاوه بیشتری به بازی‌های رایانه‌ای از خود نشان می‌دهد می‌کنند خود را در دنیای واقعی مشابهِ شخصیت‌های موجه داستان جلوه بدهند. خواندن کتاب، میله و روزنامه را به عادت برای دانش آموزی که تازه وارد مدرسه شده است تبدیل یا گوی داند به آن بازگو کردن قصه‌هایی که شنیده است، چگونگی بیان احساسات، عواطف و افکار را آموخته و یاد می‌گیرد که چگونه در برخورد با مشکلات شخصی اعتمادبه‌نفس داشته باشد. قدرت تخیل و تفکر کودکان از طریق خواندن یا شنیدن قصه و شعر پرورش پیدا می‌کند و کودکان از طریق این قصه‌ها به ارزش‌های اخلاقی مانند راستگویی، مقاومت در برابر زور، امیدواری، جوانمردی، طرفداری از حق و حقیقت و نتایج آن پی می‌برند و تلاش می‌کنند خود را در دنیای واقعی مشابهِ شخصیت‌های موجه داستان جلوه بدهند. خواندن کتاب، میله و روزنامه را به عادت برای دانش آموزی که تازه وارد مدرسه شده است تبدیل یا گوی داند به آن بازگو کردن قصه‌هایی که شنیده است، چگونگی بیان احساسات، عواطف و افکار را آموخته و یاد می‌گیرد که چگونه در برخورد با مشکلات شخصی اعتمادبه‌نفس داشته باشد. قدرت تخیل و تفکر کودکان از طریق خواندن یا شنیدن قصه و شعر پرورش پیدا می‌کند و کودکان از طریق این قصه‌ها به ارزش‌های اخلاقی مانند راستگویی، مقاومت در برابر زور، امیدواری، جوانمردی، طرفداری از حق و حقیقت و نتایج آن پی می‌برند و تلاش می‌کنند خود را در دنیای واقعی مشابهِ شخصیت‌های موجه داستان جلوه بدهند.

نقش نظام آموزشی در فرهنگ کتابخوانی
خانواده پایه و اساس فرهنگ مطالعه را در کودک بنا

نگاه

کالای فرهنگی جایی در سبید زندگی مان ندارد

پیترامی خوریم کتاب نمی‌خریم!

مریم ترابی

امروز تصمیم می‌گیرم زمانی را به تمیز کردن کتابخانه‌ام اختصاص بدهم. جلوی کتابخانه می‌ایستم و کتاب‌ها را بیرون می‌آورم و تمیز می‌کنم. حین تمیز کردن ورقی هم می‌زنم و چند سطر می‌خوانم. داستان و موضوع بعضی از کتاب‌ها را اصلاً یاد نیست. با خودم عهد می‌کنم که آنها را دوباره بخوانم. بعد از پایان گردگیری کتابخانه، کمی عقب‌تر می‌ایستم و به کتاب‌های داخل قفسه نگاه می‌کنم. با خودم فکر می‌کنم آخرین کتابی که خریدم کی و چه بود؟ هر چه فکر می‌کنم یاد نمی‌آید که چه زمانی و کدام کتاب آخرین کتابی است که خریده‌ام. به حال خودم تأسف می‌خورم که آنقدر در گردگیری موضوعات مختلف زندگی شده‌ام که از دوست‌داشتنی‌ترین لذت دنیا دور مانده‌ام. من، کسی که عاشق کتاب و کتابخوانی بودم اکنون گرفتار روزمرگی شده‌ام و فقط به گردگیری کتاب‌های کتابخانه می‌اندیشم. تصمیم می‌گیرم در اولین فرصت سری به کتابفروشی‌ها بزنم و حتماً کتابی بخرم.

خوردن پیترزا به جای خرید کتابها

آمارها خبر از پایین بودن سرانه کتابخوانی در کشور می‌دهد. چرا مردم کتاب را در سبید خرید خود قرار نمی‌دهند؟ شاید یکی از دلایل آن بالا بودن قیمت کتاب‌ها باشد. با بالا رفتن تورم در کشور، مردم درگیر رفع نیازها و مایحتاج زندگی خود هستند و اصلاً به خرید کالاهای فرهنگی فکر هم نمی‌کنند. وقتی قیمتی یک کتاب با قیمت گوشت و مرغ برابری می‌کند طبیعی است که مردم خوراک جسم را به خوراک روح ترجیح می‌دهند. در واقع به نفع کالاهای مصرفی مادی، دست به حذف کالای فرهنگی از سبید زندگی زداییم. وقتی گالیله از بسالاً بودن قیمت کتاب‌ها می‌شود صدای ناشران بالا می‌رود که «قیمت کاغذ بالا رفته است، ارز گران شده است، این گرانی دست‌مانست و...» البته، آمار کتابخوانی و نشر در کشور ما شاید هیچ‌گاه وضعیت مطلوبی نداشته اما اکنون بیش از پیش در سراشیبی سقوط قرار گرفته است.

پایین بودن سرانه مطالعه در یک جامعه می‌تواند تهدیدی برای فرهنگ آن جامعه باشد. بر کسی پوشیده نیست که یکی از راه‌های داشتن فرهنگ مفید و مناسب ترویج کتاب و کتابخوانی بین مردم به خصوص قشر نوجوان و جوان است و همچنین کتاب نقش سازنده‌ای در پیشرفت کشور و رشد حیات اجتماعی و دارد. بنابراین به اعتقاد کارشناسان مسائل فرهنگی از شاخص‌های مهم توسعه‌یافتگی هر جامعه سرانه مطالعه، میزان تولید و مصرف اطلاعات و کالاهای فرهنگی آن جامعه است. مردم یک جامعه از طریق مطالعه، آموزش‌های فرهنگی برای داشتن یک جامعه



خود باقی است ولی حضور سبایت خبری، دنیای مطالعه را دگرگون کرده است. کشور ما هم در چند سال اخیر مستثنی از حضور این تکنولوژی نبوده است. چندسالی است که برخی از مجموعه‌های دولتی یا خصوصی کار خود را در این عرصه آغاز کرده‌اند و به دنبال ایجاد این تغییر بزرگ در ایران نیز هستند. تغییری که با وجود مزایای گسترده این شیوه عرضه کتاب، دوری ما از این روش‌های اشتباهی بزرگ نشان می‌دهد، مزایایی مانند حذف هزینه کاغذ و چاپ، حذف هزینه توزیع کتاب، توزیع گسترده و سراسری، سرعت انتشار و توزیع بالا، سازگاری با محیط زیست، قابلیت مطالعه روی رایانه، تبلت، موبایل و در کل دسترسی راحت‌تر به محتوا، انتشارات الکترونیکی مثل فلکس، فراکتاب، فیدیبو، خط‌خوان و... توانسته‌اند قدم‌های مثبتی در ترویج فرهنگ کتابخوانی و علاقه‌مند کردن جوانان و نوجوانان به کتاب و کتابخوانی بردارند. کتابخوانی دیجیتال تا حدودی توانسته مشکلات نشر کاغذی را کم کند، ولی به علت رعایت نشدن قانون حق‌کیب‌رایت در کشور بسیاری از نویسندگان را به مخاطره انداخته است. هر چند تعدادی از انتشارات الکترونیکی با رعایت حق‌کیب‌رایت امانت‌دارهای خوبی در این زمینه هستند. اما با مطالعه به‌صورت دیجیتال در کشور ما در آمار سرانه مطالعه، به حساب می‌آید؟

به گفته کارشناسان کتابخانه، گشت‌زنی‌های اینترنتی جزوسرانه مطالعه محسوب نمی‌شوند زیرا این گشت‌زنی‌ها به منظور سرگرمی و پیدا کردن موضوعات جالب است در حالیکه کتابخوانی با یک هدف مشخص و معین انجام می‌شود. اگر دقت کنید در تمام وسایل نقلیه و در تمام خانواده‌ها همه سرها در گوشی موبایل است ولی واقعاً چند درصد از این افراد موبایل در دست در حال مطالعه کتابی هستند که دانلود کرده‌اند. با این حال می‌توان امید داشت که با کمک نرم‌افزارهای کتابخوانی، جوانان و نوجوانان کشور ما هر چه بیشتر جذب کتاب و مطالعه شوند و به مدد این اپلیکیشن‌ها و رعایت امن‌اندازی، سرانه مطالعه در کشور سیر احاطه کرد جامعه کنونی ماست. وقتی افراد یک

وقتی کتابفروشی‌ها به پیترزا فروشی تبدیل می‌شوند و مردم حاضرند مبالغی را بابت سبیر کردن جسم بدهند نه سبیر کردن عقل و روح، سبک زندگی ایرانی دچار دگرگونی می‌شود.

کاش مردم می‌دانستند مبلغی که بابت خرید کتاب می‌پردازند به مراتب پایین‌تر از هزینه‌هایی است که در آینده بابت خواندن آن پرداخت خواهند کرد!

سازد اما نظام آموزشی در تداوم و نهادینه کردن آن نقش پررنگ‌تری دارد. سیستم آموزشی مقاطع راهنمایی و دبیرستان در ترویج فرهنگ کتابخوانی در بین نوجوانان و جوانان نقش بزرگی را بازی می‌کند. چه بسا آنچه را خانواده تلاش کرده و به کودک خود آموزش داده است در این مقاطع تغییر کند یا اصلاح شود. در اکثر مدارس کشور هیچ تلاشی برای ایجاد اشتیاق به کتابخوانی انجام نمی‌شود و معمولاً کتابخانه‌ها در مدارس بیشتر نقش انباری را بازی می‌کنند تا محلی برای تحقیق و مطالعه. مسئولان، کتابخانه‌ها را از بین افرادی انتخاب می‌کنند که خیلی از آنها تخصصی‌تر نیستند و درصورتی که صرفاً چون به مطالعه علاقه‌مندند برای این امر انتخاب می‌شوند. همین بی‌توجهی باعث نزول سطح مطالعه در بین کودکان و نوجوانان می‌شود، در حالی که شالوده شوق به مطالعه و کتابخوانی در مدرسه گذاشته می‌شود. ولی نه تنها در مدارس به این موضوع توجهی نمی‌شود که در حال حاضر خود قضاوت کنید جوانی را که در خانواده جز تلویزیون چیزی ندیده و کتابخانه و کتابخوان هم در خانه نداشته است و در مدرسه هم کتابخانه بیشتر شبیه به یک انباری خاک گرفته، بسته و غیرقابل استفاده بوده و در محله خود چیزی به عنوان کتابخانه ندیده است، چه توقعی می‌توان داشت که آن موهجی که در جوامع دیگر در ارتباط با مطالعه و به‌روز شدن اطلاعات جوانان وجود دارد در این جامعه وجود داشته باشد. جامعه جهانی هر روز در پرتو تحولات جدید، تکنولوژی مدرن و جدیدی را به جامعه ارائه می‌دهد و در این میان اگر کسی از دانش و فناوری‌های روز عقب بماند هیچ فرصت جبرانی برای سال‌های از دست رفته ندارد. کودکان و جوانان خود را در پایین و آنها را از دام بی‌سوادی نجات دهدیم.